آدم‌ربایی در افغانستان به سبک هالیوود!

دو مرد ایرانی که برای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی به کشور افغانستان رفته‌بودند فکر نمی‌کردند ۲۱روز در شکنجه گاه مخوف چند تبهکار گرفتار شوند.

به گزارش جوان، چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید دو مرد پولداری که برای کارآفرینی به کشور افغانستان رفته‌اند از سوی چند تبهکار افغان گروگان گرفته شده‌اند.

زن میانسالی که موضوع را به اداره پلیس خبر داده‌بود، گفت: شوهرم بهرام مهندس است و در یک شرکت صنعتی بزرگ مدیر واحد صادرات و مشاور مدیر عامل است. او همیشه برای فروش محصولات شرکتشان به کشورهای مختلف و مخصوصاً کشورهای همسایه سفر می‌کرد، اما مدتی است که به خاطر بیماری کروناز طریق تلفنی و فضای مجازی مشتری جذب می‌کند. مدتی بود با مرد سرمایه داری در افغانستان در تماس بود و قرار بود در زمینه کارآفرینی با او در افغانستان به صورت شراکتی شرکت دارویی راه اندازی کنند به همین خاطر دو روز قبل همراه یکی از دوستانش به نام فرامرز که دکتر است به کشور افغانستان سفر کردند.

وی ادامه داد: امروز مرد ناشناسی که لهجه افغانی داشت با تلفن همراه من تماس گرفت و گفت شوهرم و فرامرز را گروگان گرفته‌اند و برای آزادی آنها باید ۲۰۰هزار دلار پرداخت کنیم و بعد هم تلفن همراهش را قطع کرد. در حالی که نگران شوهرم بودم با تلفن همراه او تماس گرفتم که دیدم همان مرد تلفن همراه شوهرم را جواب داد و گفت اگر پول برای آنها نفرستم شوهرم و دوستش را می‌کشند. او تهدید کرد چنانچه موضوع را به مأموران پلیس هم خبر بدهم گوش‌های آنها را برای ما می‌فرستد.

با شکایت زن میانسال پرونده به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. نخستین بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد بهرام و فرامرز روز حادثه به درخواست مردی که خودش را تاجر افغان معرفی کرده برای سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی شرکتی به کشور افغانستان رفته که از سوی چند خلافکار مسلح گروگان گرفته شده‌اند.

■ آزادی گروگان‌ها

بدین ترتیب مأموران پلیس از طریق پلیس اینترپل تحقیقات خود را برای شناسایی مخفیگاه آدم‌ربایان و آزادی گروگان‌ها آغاز کردند، اما دریافتند گروگانگیران افراد حرفه‌ای هستند که هیچ ردی از خود به جای نگذاشته و گروگان‌ها را هم در مناطق کوهستانی یکی از شهرهای افغانستان نگهداری می‌کنند.

در حالی که ۲۱روز از حادثه گذشته بود و تحقیقات همچنان ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید تبهکاران پس از دریافت مبلغ زیادی از خانواده‌های دو گروگان، آنها را در بیابان‌های اطراف مرز ایران رها کرده و دو مرد ربوده شده هم پس از ساعت‌ها پیاده‌روی خودشان را به مرز رسانده و با کمک مرزبان‌های ایرانی به تهران بازگشته‌اند.

■ تاجر قلابی

بهرام پس از آزادی به مأموران گفت: مدیر واحد صادرات شرکت هستم و برای فروش محصولاتمان با افراد زیادی در کشورهای مختلف ارتباط داشتم تا اینکه مدتی قبل مردی به نام بشیر از افغانستان با من تماس گرفت و درخواست کرد محصولات ما را در افغانستان بفروشد و من هم قبول کردم و قرار بود به زودی مراحل اداری آن انجام شود که چند روز بعد بشیر پیشنهاد وسوسه انگیزی را مطرح کرد. او در تماس‌هایی که با من داشت متوجه شد که وضع مالی خوبی دارم و از طرفی هم خودش را تاجر سرشناسی معرفی کرده بود که مدعی شد ۲میلیون دلار سرمایه دارد و می‌خواهد من برای کارآفرینی به او مشورت بدهم. بشیر گفت حاضر است با من و تعدادی از دوستانم شریک شود و شرکت بزرگی را در افغانستان راه‌اندازی کنیم. پس از این من با یکی از دوستانم به نام فرامرز که دکتر است تماس گرفتم و موضوع را با او در میان گذاشتم. فرامرز قبل از این قرار بود با شرکت ما کار کند، اما به دلایلی نشد و با یک شرکت تجاری همکاری می‌کرد. فرامرز پیشنهاد داد که در افغانستان شرکت نانو دارویی بزنیم و بشیر هم که از طریق من با فرامرز ارتباط گرفته‌بود قبول کرد و قرار شد دو نفری به افغانستان برویم.

■ تشریفات مخوف

بشیر گفت برای انجام کارهای اداری لازم است همراه او به وزارت داخلی افغانستان و سفارت ایران برویم و دو روز در آنجا کار داریم که راهی افغانستان شدیم.

وی ادامه داد: من و فرامرز با هواپیما به مشهد رفتیم و از آنجا با تاکسی به مرز دوغارون رفتیم چون خودروی تشریفات بشیر آنجا منتظر ما بود. وقتی از مرز عبور کردیم تازه متوجه شدم که فرامرز به سفارش بشیر دو ساعت طلا به قیمت ۵۳میلیون تومان برای او خریده است، البته بشیر از من هم خواسته بود که گوشی همراه برای او بخرم، اما نخریده‌بودم. در مرز سوار خودروی سوزوکی تشریفاتی شدیم، اما هرگز فکر نمی‌کردیم که خودروی تشریفات به جای هتل ما را به شکنجه‌گاه مخوف بشیر ببرد.

■ تفنگداران نقابدار

خودرو به راه افتاد که پس از طی مسافت ۱۰کیلومتر وارد جاده فرعی شد. راننده مدعی شد که جاده در دست طالبان است و برای حفظ جان ما از بیراهه می‌رود و گفت سرمان را پایین بیاوریم که پس از دقایقی توقف کرد که خودروی دیگری که در تعقیب ما بود به ما رسید. از داخل خودرو چند مرد نقاب دار مسلح پیاده شدند که تازه فهمیدیم در دام گروگانگیران گرفتار شده‌ایم.

آنها دلارها و اموال ما را گرفتند و بعد از اینکه چشمانمان را با پارچه‌ای بستند سوار خودرویمان کردند و به راه افتادند. ساعتی بعد ما وارد خانه‌ای تاریکی شدیم که صداهای عجیبی از داخلش شنیده می‌شد. بیرون از اتاق افراد مسلحی نگهبانی می‌دادند و هر زمانی هم کسی به سراغ ما می‌آمد چشمان ما را می‌بستند یا اینکه خود آنها نقاب به صورت داشتند.

■ ۲۰۰ هزار دلار

آنها پیشنهاد دادند که برای آزادی باید با خانواده‌هایمان در ایران تماس بگیریم تا ۲۰۰هزار دلار برای آنها بفرستند وگرنه ما را به قتل می‌رسانند یا اینکه به افراد داعشی می‌فروشند. حرف‌های و تهدیدهای آنها زجر آور بود به طوری که فکر می‌کردیم کارمان تمام است و باید همانجا غزل خداحافظی را بخوانیم. پس از این ما با خانواده‌هایمان تماس گرفتیم و پیشنهاد آدم‌ربایان مسلح را به آنها دادیم که متوجه شدیم پلیس هم در تعقیب گروگانگیران است. در نهایت پس از چهارروز آنها مکان ما را تغییر دادند و به محل دیگری که بدتر از محل اول بود منتقل کردند.

۱۷روز در غل و زنجیر در شکنجه گاه دوم تبهکاران افغان بودیم و در این مدت تمام روز دست و پایمان به میله آهنی بسته بود و مدام تهدید به مرگ می‌شدیم و هر لحظه در انتظار مرگ بودیم که با خانواده ما توافق کردند برای آزادی هر یک از ما ۶۰هزار دلار بگیرند.

■ جان دوباره

گروگانگیران از آنجایی که می‌ترسیدند شناسایی و دستگیر شوند برای گرفتن دلارها خیلی احتیاط می‌کردند تا اینکه قرار شد مرد افغانی که سال‌ها قبل در منزل پدر بزرگم کار می‌کرد و الان در افغانستان است، مسئول رساندن دلارها به آدم‌ربایان باشد.

در نهایت کارگر افغانی پول‌ها را از خانواده ما تحویل گرفت و به گروگانگیران تحویل داد، اما آنها ما را تحویل او ندادند تا اینکه پس از ۲۱روز اسارت ما را داخل بیابان‌های اطراف مرز ایران رها کردند و گفتند که امکان دارد در دام طالبان یا داعشی‌ها گرفتار شویم و از ما خواستند خودمان جان خودمان را نجات دهیم. ما یک ساعت با ترس و لرز در بیابان به طرف مرز پیاده‌روی کردیم و هر لحظه که صدایی می‌شنیدیم از ترس نصف عمر می‌شدیم تا اینکه از دور برج‌های مرزبانی ایران را دیدیم.

با دیدن مرزبانان انگار جان دوباره به ما رسید و سرانجام هم از طریق مرزبانان کشورمان وارد خاک ایران شدیم.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: تحقیقات برای دستگیری عاملان این گروگانگیری از سوی کارآگاهان پلیس ادامه دارد.

■ طرح: حسین کشتکار /جوان

درخواست قصاص برای نوه خطاکار

پسر بوکسور که در درگیری عمه تنهایش را به قتل رسانده‌بود در دادگاه مدعی شد که پس از خوردن قرص مرتکب قتل شده‌است. در جلسه دادگاه اولیای‌دم برای نوه خطاکارشان درخواست قصاص دادند.

به گزارش جوان، ۲۳تیرسال ۹۹ مأموران کلانتری ۱۳۰ نازی‌آباد از کشف جسد زن میانسالی به نام توران در منزل مسکونی‌اش با خبر و راهی محل شدند.

با حضور مأموران در محل، جسد زن میانسال، در حالی که خانه را بوی شدید گاز فرا گرفته بود، با فرضیه گازگرفتگی به پزشکی قانونی فرستاده شد و تحقیقات در این زمینه آغاز شد. یکی از بستگان توران که در محل حاضر بود و مأموران را باخبر کرده‌بود، گفت: «توران چند سال قبل طلاق گرفته بود و تنها زندگی می‌کرد به همین خاطر هرازگاهی به او سر می‌زدم. آخرین بار وقتی با او تماس گرفتم پاسخی نشنیدم. از نگرانی مقابل درخانه‌اش رفتم و هر چه در زدم کسی در را باز نکرد، اما کفش‌های توران مقابل در بود. پس از این همسایه‌ها را خبر کردم و با کمک آنها در را باز کردم و با جسد توران روبه‌رو شدم که روی زمین افتاده بود.»

■ قتل

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه کارشناسان پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کردند زن میانسال بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن و شکستگی گردن کشته شده‌است. با اعلام نظریه پزشکی قانونی فرضیه گاز گرفتگی کنار رفت و پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ بازداشت قاتل در مراسم خاکسپاری

بدین ترتیب مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری قاتل آغاز کردند تا اینکه دریافتند برادرزاده ۲۴ساله مقتول به نام کامران که او هم فرزند طلاق است به خانه عمه‌اش رفت و آمد داشته و روز حادثه هم در آنجا دیده شده است. سپس مأموران پلیس کامران را در حالی که در مراسم خاکسپاری مقتول بود بازداشت کردند. متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و در بازجویی‌ها به قتل عمه‌اش اعتراف کرد و گفت: «بعد از جدایی پدر و مادرم همرا پدرم بودم و با او زندگی می‌کردم. او فلج بود و وضع مالی خوبی نداشت. از طرفی پدر بزرگم همه اموالش را به نام عمویم زده بود اما عمویم حق پدرم را نمی‌داد. همین موضوع باعث شد کینه به دل بگیرم و رابطه خوبی با عمویم نداشته باشم.»

متهم ادامه داد: «با عمویم مشکل داشتم اما رابطه‌ام با عمه‌ام خوب بود به همین خاطر شب‌ها به خانه او می‌رفتم و گاهی اوقات تا صبح بیدار بودیم و با او درد دل می‌کردم.»

متهم در حالی که گریه می‌کرد، گفت: «مدتی قبل از حادثه با دختر جوانی در اینستاگرام آشنا شدم. این رابطه ادامه داشت و من به او دروغ گفته بودم پسر پولداری هستم و به همین خاطر هر بار برای ملاقات با او یک خودروی گرانقیمت کرایه می‌کردم و سر قرار می‌رفتم تا اینکه یک روز آن دختر متوجه شد خودروها متعلق به من نیست و فهمید وضع مال خوبی ندارم. همین باعث شد رابطه‌اش را با من قطع کند. این موضوع خیلی مرا ناراحت کرد چون او را دوست داشتم و طاقت دوری او را نداشتم.»

متهم در خصوص شب حادثه گفت: «آن شب وقتی به خانه عمه‌ام رفتم مثل همیشه با او درددل کردم و گفتم از اینکه شرایط مالی خوبی ندارم ناراحتم سپس به عمو و پدربزرگم بدگویی کردم. عمه‌ام با شنیدن توهین‌های من عصبانی شد و به صورتم سیلی زد. از او توقع نداشتم و به خاطر شرایط روحی‌ام عصبانی شدم و کار به درگیری کشید. در آن درگیری از آنجایی که کنترل اعصابم را از دست داده بودم او را خفه کردم.»

متهم بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

وی بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی مقابل هیئت قضایی یکی از شعبات دادگاه قرار گرفت.

■ درخواست قصاص

بعد از اعلام رسمیت جلسه از سوی ریاست دادگاه، اولیای‌دم که پدر و مادر مقتول بودند درخواست قصاص کردند و گفتند با گذشت یکسال از فوت دخترشان، اما هنوز باور ندارند که نوه‌شان قاتل است.

در ادامه متهم که از زندان به دادگاه اعزام شده‌بود به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت. او در حالی که اشک می‌ریخت گفت: «من بچه طلاقم و از مادرم دور بودم. در آن شرایط هیچ‌کس به اندازه عمه‌ام کنار من نبود و من او را خیلی دوست داشتم. باور کنید هرگز راضی به مرگش نبودم و این حادثه خیلی اتفاقی بود.»

او در ادامه گفت: «آن شب به یک پارتی شبانه دعوت شده بودم به همین خاطر همراه دوستم به خیابان ناصرخسرو رفتیم و چند قرص روانگردان خریدیم. وقتی به خانه برگشتیم همراه دوستم آن قرص را خوردیم تا اینکه تماس گرفتند و گفتند مهمانی لغو شده است. حال خوبی نداشتم به همین خاطر تصمیم گرفتم تنها نمانم که با عمه‌ام تماس گرفتم و شب را به خانه او رفتم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «آن شب در اثر خوردن قرص عصبی بودم و شرایط عادی نداشتم. وقتی سر صحبت را با عمه‌ام باز کردم به او گفتم عامل همه این بدبختی‌ها عمو و پدربزرگم هستند. بعد از آن از پدربزرگم گله کردم و گفتم او نباید حق پدرم را ضایع می‌کرد و آنچه که حق او بود را به عمویم می‌بخشید. بعد از آن حرف‌ها از شدت عصبانیت به عمو و پدربزرگم ناسزا گفتم. عمه‌ام از حرفم ناراحت شد و از من خواست آرام باشم، اما من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم دوباره فحاشی کردم به همین خاطر عمه‌ام عصبانی شد و یک سیلی به صورتم زد. با این سیلی انگار همه دنیا برایم سیاه شد و از او انتظار این رفتار را نداشتم که او را هل دادم و وقتی روی زمین افتاد دستانم را دور گردنش انداختم و فشار دادم.»

متهم که گریه امانش نمی‌داد، گفت: «قبل از حادثه بوکسور بودم و دستان قوی داشتم به همین خاطر وقتی دستانم را دور گردن عمه‌ام حلقه کردم او خفه شد. آن لحظه اصلاً در حال خودم نبودم به همین خاطر وقتی به خودم آمدم متوجه شدم کار از کار گذشته و او نفس نمی‌کشد. آنجا بود که از ترس برای گمراه کردن پلیس شیر گاز را باز گذاشتم و طوری صحنه‌سازی کردم که همه فکر کنند او بر اثر گازگرفتگی فوت کرده است. حالا پشیمانم و روز و شب به عمه‌ام فکر می‌کنم و خیلی احساس تنهایی می‌کنم. نمی‌دانم بدون او چطور زندگی کنم و با تنهایی‌هایم چکار کنم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

اخاذی میلیاردی اینستاگرامی

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات تهران بزرگ از دستگیری متهمی خبر داد که با هک کردن حساب کاربری شهروندی در اینستاگرام از وی یک‌میلیارد ریال اخاذی کرده بود.

به گزارش جوان، سرهنگ داوود معظمی گودرزی گفت: چندی قبل خانم جوانی به پلیس فتای تهران مراجعه کرد و مدعی شد شخصی ناشناسی با دسترسی غیرمجاز به حساب کاربری‌اش در اینستاگرام مبلغ یک‌میلیارد ریال از وی اخاذی کرده است.

شاکی در ادامه گفت: مدتی قبل تلفن همراه خود را برای تعمیر به یک فروشگاه تعمیرات موبایل دادم و ساعاتی بعد از تحویل گرفتن گوشی صفحه اینستاگرامم از دسترسم خارج شد و دیگر نتوانستم وارد آن شوم تا اینکه دقایقی بعد شخص ناشناسی با من تماس گرفت و اعلام کرد می‌تواند در ازای واریز وجه صفحه من را برگرداند و باتوجه به اینکه این صفحه منبع درآمد چندین خانواده بود قبول کردم و پول به حسابش واریز کردم.

رئیس پلیس فتای تهران ادامه داد: شاکی بیان داشت، بعد از واریز وجه صفحه‌ام برگشت، اما بعد از چندساعت مجدداً از دسترسم خارج شد و آن شخص مجدداً تماس گرفت و این بار مبلغ بیشتری طلب کرد، این روند چندین بار تکرار شد و من هر بار به علت نیاز شدید به این صفحه مبلغ مورد نظر را واریز می‌کردم، اما بعد از واریز آخرین مبلغ دیگر صفحه من را برنگرداند و تقاضای مبلغ هنگفتی را داشت که توان پرداختش را نداشتم.

با شکایت دختر جوان، مأموران متهم را در همان مرکز تعمیرات تلفن همراه شناسایی و دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اقرار کرد.

سرهنگ گودرزی با اشاره به لزوم فعالسازی تأیید هویت دو مرحله‌ای برای حساب‌های کاربری شبکه‌های اجتماعی به شهروندان توصیه کرد: در هنگام فعالیت در شبکه‌های اجتماعی تنظیمات امنیتی و حریم خصوصی را رعایت کنند و از در اختیار گذاشتن اطلاعات حساب کاربری خود به دیگران خودداری کنند.

۲ کشته در تصادف پژو با موتورسیکلت

تصادف سواری پژو ۴۰۵ با موتورسیکلتی در بزرگراه نواب مرگ راننده و ترک نشین موتورسیکلت را رقم زد.

به گزارش جوان، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور فاتب گفت: ساعت ۵:۱۰ صبح دیروز مأموران پلیس راهور از تصادف مرگباری در مسیر شمال به جنوب بزرگراه نواب با خبر و راهی محل شدند.

بررسی‌ها نشان داد یکدستگاه موتورسیکلت در نزدیکی خیابان شهید محبوب مجاز به علت نقص فنی در لاین کناری بزرگراه متوقف بوده که در همان لحظه یکدستگاه سواری پژو۴۰۵ در حال حرکت با راننده و ترک‌نشین موتورسیکلت که به صورت پیاده در بزرگراه بودند برخورد و در اثر شدت ضربه هر دو نفر در محل حادثه فوت می‌کنند.

فرار راننده سواری پس از تصادف مرگبار با عابر پیاده

راننده خودروی سواری پس از تصادف مرگبار با عابر پیاده‌ای که قصد عبور از عرض بزرگراه یادگار امام را داشت از محل گریخت.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱:۳۰ روز شنبه ۲۲خرداد مأموران پلیس از مرگ مردی در بزرگراه یادگار امام با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد عابر پیاده‌ای هنگام عبور از عرض بزرگراه با خودرو سواری که در مسیر شمال به جنوب بزرگراه در حرکت بوده تصادف کرده و در دم جان باخته است.

همچنین مشخص شد پس از این حادثه راننده خودرو از محل فرار کرده است. تحقیقات برای شناسایی و دستگیری راننده فراری ادامه دارد.

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و نسخه ثانی دادخواست

نظر به اینکه مجید محمد زاده دادخواست به خواسته الزامی تنظیم سند خودرو بطرفیت سعید سالاری. محمدرضاملایری.تقدیم نموده و در این شعبه به کلاسه۸/۱۴۰۰/۱۷۵ثبت و برای تاریخ ۱۴۰۰/۴/۲۶راس ساعت ۳۰/۱۰ تعیین وقت گردید.

خواهان مجید محمد زاده فرزند علی جان شغل بازنشسته. محل سکونت:استان ایلام شهرستان ایلام میدان امام حسین بلوار نبوت ک عقیل.

خوانده: سعید سالاری فرزند محمدحسین، شغل آزاد ،محل سکونت مجهول المکان محمدرضا ملایری فرزند محمدعلی شغل آزاد .محل سکونت، مجهول المکان.

خواسته: الزام به تنظیم سند رسمی موتور سیکلت الزام به تنظیم سند رسمی مو تور سیکلت (به شماره انتظامی ۵۶۵-۹۳۶۷۶ والزام خوانده به حضور در دفترخانه اسنادرسمی ونقل و انتقال سند مالکیت موتور)مقوم به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال.

ریاست محترم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام

سلام علیکم

احتراما به استخضار میرساندااینجانب براساس مستندات ابزاری موتور سیکلت با مشخصات مندرج در ستون خواسته رااز خوانده ردیف اول خریداری و ثمن معامله نیز پرداخت شده است و سند مالکیت آن به نام خوانده ردیف دوم می باشد و حاضر به تنظیم به نام اینجانب نمی باشند. لذا صدور حکم به شرح ستون خواسته مورد استدعاست.

مقام ارجاع کننده: علی نظر تیموری کیا.

آگهی اعلام مفقودی

اسناد مالکیت (سند کمپانی) خودروی سواری دنا EF7مدل ۱۳۹۷ سفید روغنی بشماره موتور ۱۴۷H۰۳۹۳۰۵۳ وشماره شاسی NAAW۰۱HE۹JE۰۷۷۶۷۳ وشماره انتظامی ۱۵ایران ۷۸۵و۶۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

آگهی تحدید حدود اختصاصی

م الف: ۱۴۲۰

نظر بر اینکه به استناد رای شماره های ۴۰۰۲۱۸۱ مورخه ۹۹/۹/۱۵ صادره هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت گرمی و طبق تبصره ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون مزبور تحدید از املاک بشرح ذیل تاکنون بعمل نیامده است لذا تحدید حدود املاک مزبور در روزهای تعیین شده بشرح ذیل بعمل خواهد آمد. بدینوسیله به مالکین و مجاورین اعلام می گردد راس ساعت ۱۰ صبح در موعد مقرر در محل حاضر شوند. ضمنا اعتراض بر تحدید حدود و حقوق ارتفاقی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس به مدت ۳۰ روز خواهد بود.

از پلاک ۱۵۲ اصلی واقع در بخش ۲۰ اردبیل فرعه به بنه

۱- خانم سکینه تقوی نسبت به ششدانگ یک باب خانه و باغچه به مساحت ۱۱۷۱/۹۰ متر مربع به شماره پلاک ۲۸۴ فرعی قسمتی از پلاک ۱۵۲ اصلی و ۱۴ فرعی از ۱۵۲ اصلی واقع در بخش ۲۰ اردبیل حوزه ثبت ملک گرمی از مالکیت رسمی علی ندائی

تحدید حدود:

روز پنج شنبه راس ساعت ۱۰ صبح ۱۴۰۰/۴/۱۷

تاریخ انتشار روز دوشنبه ۱۴۰۰/۳/۲۴

سعید نیکخو

مدیر واحد ثبتی حزه ثبت ملک گرمی

از طرف رحیم رحیمی ایلخانلر

آگهی فقدان سند مالکیت

م الف ۱۰۴۲

نظر به اینکه سند مالکیت ششدانگ یک باب خانه به شماره پلاک ۱۴۷۷ فرعی از ۵۹ اصلی واقع در روستای تازه کند انگوت بخش ۱۵ اردبیل بشرح ذیل ثبت ۵۶۹۰ صفحه ۳۳۱ دفتر جلد ۳۶ بشماره سریال ۱۴۴۷۷۲ سری سال ۹۱ به مساحت ۶۰/۷ متر مربع بنام سید عظیم مزین فرزند سید ستار ثبت، صادر و تسلیم گردیده، سپس برابر سند رسمی شماره ۱۵۸۶۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ دفترخانه شماره ۵۵ گرمی بنام اسماعیل حاجی پور انتقال قطعی یافته و مالک فوق برابر درخواست وارده به شماره ۱۴۰۰/۴۰۰۰۵۴۰ مورخه ۱۴۰۰/۱/۲۱ باتضمام دو برگ استشهاد محلی اعلام نموده که سند مالکیت مزبور بنا بدلیل اسباب کشی و جابجایی مفقود گردیده، لذا مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانونی ثبت اسناد و املاک آگهی می گردد. که هرکس مدعی وجود سند مالکیت در پیش خود می باشد و یا معامله ای اعم از قطعی ، رهنی و غیره انجام داده است ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت گرمی تحویل نمایند در غیر اینصورت اداره ثبت گرمی پس از انقضای مهلت مقرر در آگهی و در صورت عدم وصول اعتراض نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد نمود.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۳/۲۳

سعید نیکخو، مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶